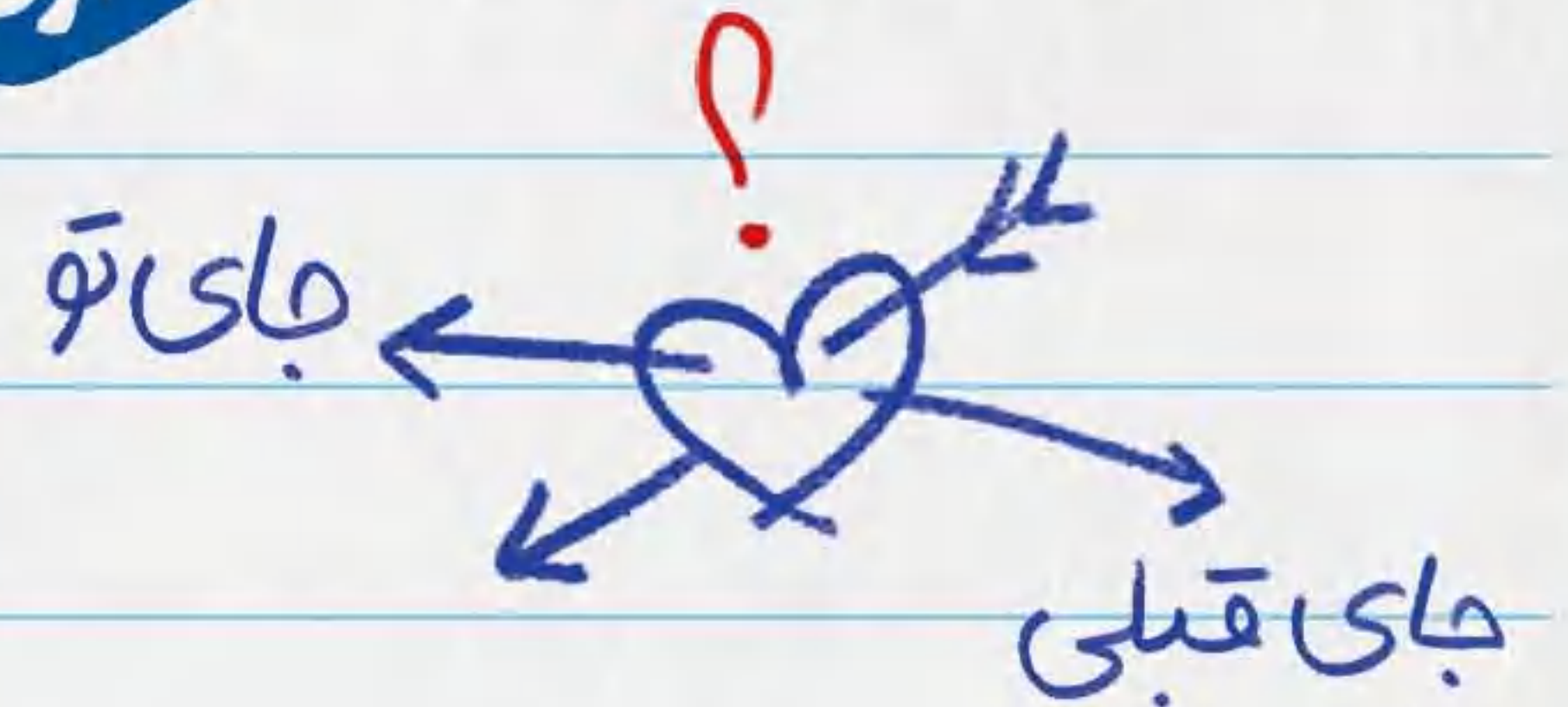




برگ امتحانی:
کلاس: بیزنس کلاس
امروز!
تاریخ و موضوع امتحان: امتحان نهایی!

بانک نهایی

ویژه امتحان نهایی



۱۳ - شکل قلب را بکشید و قسمت‌های مختلف آن را نام ببرید.

امتحانات عربی ۱ انسانی با ۲۰ تمام همیشه

حسین منصوری ← سید هادی هاشمی

۱۴ - با کلمات زیر جمله بسازید.

بابا - هواپیما - کیش - سفر - ساحل

بابا - پول - ندارد (ن)

۱۵ - نام سه دریاچه در ایران را بنویسید.

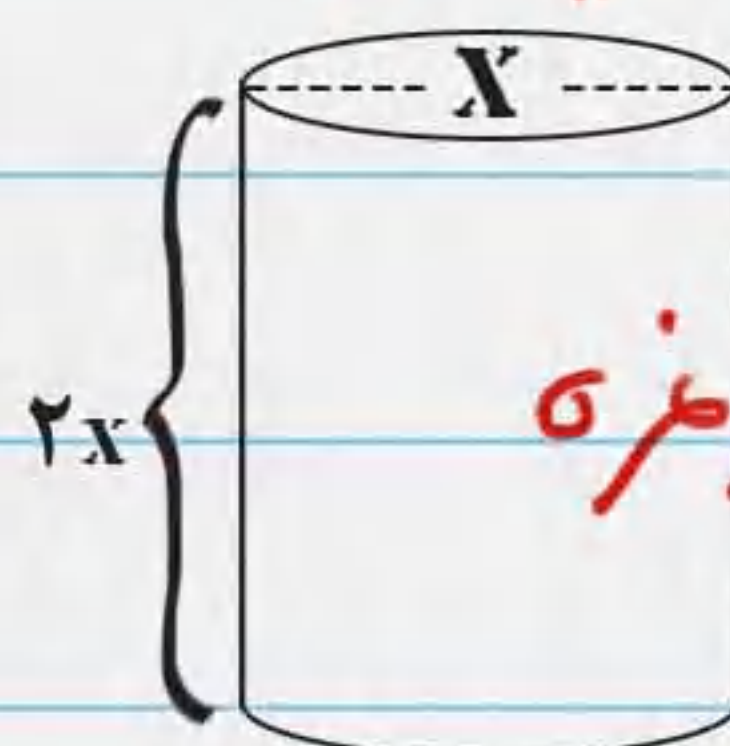
دریاچه خزر دریاچه ققم دریاچه ارومیه (سابق)

۱۶ - بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور گرفت. (کنکو بهرام)

۱ - شهرام ۲ - مهرام ۳ - بهرام ۴ - آرام ۳ مره

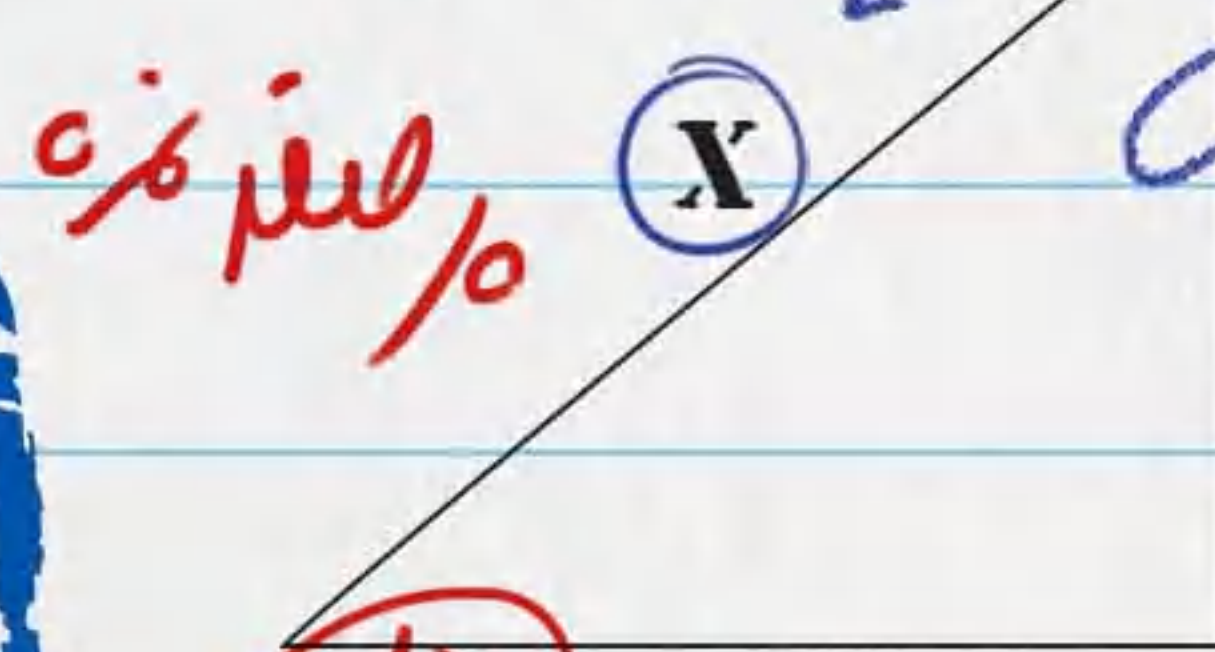
۱۷ - استوانه روبرو گنجایش چه حجمی از آب را دارد؟

به نظر خودم حدود یک لیوان و نیم است (ن) ۱۵ صفر مره



۱۸ - با توجه به قضیه فیثاغورث X را بیابید.

اینهاست پیداش کردم اینجا است ۳



۱۹ - معادل فارسی کلمات زیر را بنویسید.

۱ - پیتزا (کاش لقمه) (همون پیتزا) ۲ - کارانتی (معادل ندارد. تضمین خودی عربی است.)

۲۰ - در مورد حافظ به سؤالات زیر جواب بدهید.

الف) لقب او چه بود؟ لسان الفیاب (ب) در چه قرنی درگذشت؟

هرگز نمیرد آنک دلش زنده شد به عشق

مره نمی گیری ولی آفرین! دست گرم!



پایه دهم

۹۷۵

با اینکه مره فقط به عدد ولی به روشی کن!

- ارائه واژگان و متن درس به شیوه نوین
- کامل ترین بانک سؤالات امتحانی با پاسخ تشریحی (۱۵۰۰ پرسش امتحانی تیپ بندی شده)
- ارائه قواعد کاربردی همراه با مثال
- امتحانات شبیه ساز نهایی با راهنمای تصحیح و ریز بارم بندی

+ نهایی خرداد ۱۴۰۳

مقدمه مؤلفان

سلام خدمت همه دانش آموزای دهمی که قراره همراهان جدید ما در درس عربی باشن و به کمک هم برای امتحان نهایی عربی پایه دهم آماده بشیم ...

بچه‌ها! از وقتی که قرار شد دروس پایه دهم هم در نتیجه کنکور دارای تأثیر قطعی بشه، ما به تکاپو افتادیم که خب ...، چه کنیم که بهترین کمک برای عزیزان دهمی ما در درس شیرین عربی باشه؟ ... خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و ... خلاصه تصمیم گرفتیم که یه کتاب کامل و همه‌چی تموم براتون آماده کنیم که همه جوانب امتحان نهایی رو پوشش بده و بتونه شما رو برای کسب نمره کامل یعنی بیست آماده کنه؛ پس با توکل بر خدا کار رو آغاز کردیم و این کتاب پربار رو نوشتیم.

حالا بریم ببینیم این کتاب چه بخش‌هایی داره و چه‌جوری باید باهاش ارتباط بگیریم!

هر درس رو با قسمت «واژگان» شروع کردیم که همه واژه‌های مهم درس رو با ترجمه و بیان نکات مهم و طلایی آوردیم. این واژگان رو به همون ترتیبی که در کتاب اومده، آوردیم که شما بتونین خطبه‌خط از روی کتاب درسی جلو برین و تموم واژه‌های مهم رو یک دور مرور کنین. تازه نکات طلایی و دام‌های اون واژه رو هم یاد بگیرین. این نکات طلایی گاهی شامل نکات قواعدی اون کلمه هست که در درس‌های گذشته خوندید، گاهی شکل مفرد یا جمع اون کلمه است و گاهی هم مترادف و متضاد اون کلمه و گاهی هم دام‌هایی در مورد اون واژه که ممکنه یه تله بزرگ برای شما باشه و ما خواستیم پیشاپیش بهتون یاد بدیم.

بعد از بخش واژگان می‌رسیم به جملات مهم متن درس و تمرینات که این دفعه براتون ترجمه نکردیم، بلکه سعی کردیم به صورت جای خالی و دوگزینه‌ای و ترجمه غلط و ... بیاریم که هم جملات مهم متن درس و تمرینات رو ببینین، هم با همکاری خودتون ترجمه‌شون کنیم که همیشه یادتون بمونه!

قسمت بعدی هر درس هم **سؤالات مربوط به ترجمه واژگان و جملات مهم** هست که تیپ‌های امتحان نهایی مربوط به اون درس رو براتون آوردیم. مطمئن باشین اگر همین سؤالات رو به طور کامل پاسخ بدین، نمره کامل این بخش توی امتحان نهایی رو شاخشه!!! ترجمه واژه در قالب جمله، نوشتن مترادف و متضاد و جمع و مفرد، ترجمه دوگزینه‌ای، پرکردن جای خالی و اصلاح ترجمه غلط بخش‌هایی از این قسمت مهم هستند.

اما قسمت بعدی هر درس که تدریس **قواعد درس** به همراه حل نمونه سؤالات از قواعد هست؛ نمونه سؤالاتی که عمدتاً از متن دروس قبلی آوردیم و سعی کردیم کم‌تر از متن همان درس در این قسمت استفاده کنیم. در بخش قواعد سعی کردیم همه نکات امتحانی کتاب درسی رو بیان کنیم که بهترین نمره امتحان رو کسب کنین.

بعد از تدریس قواعد، **نمونه سؤالات قواعدی** هر درس اومده که این‌جا هم سعی شده تمام تیپ‌های امتحان عربی نهایی رو بیاریم که از همین الان با سبک امتحان نهایی آشنا بشین و خدای نکرده سر جلسه امتحان نهایی براتون غریب نباشه.

در **انتهای کتاب چند نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم** آوردیم که خیلی آماده بشین!

راستی **پاسخ‌نامه تشریحی** همه سؤالات کتاب رو هم آوردیم که تا اونا رو نخونین، یادگیری تون کامل نمی‌شه!

بچه‌های عزیز سال دهم! نکته مهم و کاربردی اینه که مطالب عربی دهم بسیار پایه‌ای و اساسی برای یادگیری عربی یازدهم و دوازدهم هست و باید سعی کنین امسال یه تلاش جانانه توی عربی داشته باشین و حسابی روی این درس وقت بگذارین و مطمئن باشین ضرر نمی‌کنین!

در آماده‌سازی این کتاب عزیزان بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتن که جا داره از تک‌تک‌شون تشکر کنیم؛ خانواده‌های عزیزمون که اگر همراهی اون‌ها نبود که ما حالا حالاها نمی‌تونستیم تألیف رو تموم کنیم. همکاران محترم انتشارات وزین خیلی سبز که جز با یاری و مساعدت‌هاشون کار به این خوبی انجام نمی‌شد خصوصاً آقای احمد علی‌نژاد و سرکار خانم مهین افشار که لحظه‌به‌لحظه همراهمون بودن و با نظرات کارشناسانه این کتاب رو به نتیجه رسوندن! همین‌طور همکاران محترم و اساتید زبان عربی که در ویراستاری این کتاب خیلی زحمت کشیدن خصوصاً خانم سمانه ریحانی، خانم منیژه خسروی، خانم مهدیه زندیه و آقای محمد رمضی. همین‌طور سایر همکاران محترم واحدهای فنی، تولید، فروش، روابط عمومی و ... انتشارات خیلی‌سبز که در تکمیل این کتاب نقششون بسیار مهم و ستودنیه.

در پایان از همه همکاران گرامی و معلمان دلسوز درس عربی و دانش‌آموزان با سواد و دقیق خواستاریم هر پیشنهاد یا انتقادی در جهت ارتقای کتاب دارن، از طریق ایمیل Hashemi.hadi2000@gmail.com با ما در میون بگذارن.

فهرست مطالب

درس اول: ذاك هو الله

صفحه

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۵
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۷
- بخش سوم: قواعد درس - الأفعال و الضمائر و أسماء الإشارة ۸
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۱۶

درس دوم: انکم مسؤولون

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۱۷
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۲۰
- بخش سوم: قواعد درس - الأعداد من واحد إلى مئة ۲۱
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۲۴

درس سوم: مطر الشمک

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۲۶
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۲۹
- بخش سوم: قواعد درس - الفعل الثلاثي المجزئ والمزید (۱) ۳۱
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۳۴

درس چهارم: التعايش السلمي

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۳۷
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۴۰
- بخش سوم: قواعد درس - الفعل الثلاثي المزید (۲) ۴۲
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۴۵

درس پنجم: هذا خلق الله

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۴۷
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۵۰
- بخش سوم: قواعد درس - الجملة الفعلية و الاسمية ۵۲
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۵۵

درس ششم: المعالم الخلابة

صفحه

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۵۷
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۵۹
- بخش سوم: قواعد درس - إعراب أجزاء الجملة الاسمية و الفعلية ۶۱
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۶۳

درس هفتم: صناعة النفط

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۶۴
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۶۶
- بخش سوم: قواعد درس - الفعل المجهول ۶۸
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۷۰

درس هشتم: يامن في البحار عجايبه

- بخش اول: واژگان و ترجمه ۷۱
- بخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه ۷۴
- بخش سوم: قواعد درس - ألجاء و المجروز و نون الوقاية ۷۶
- بخش چهارم: سوالات قواعد ۷۸

۸۰ پاسخ های تشریحی کتاب

ضمیمه: امتحانات شبیه ساز نهایی

- امتحان شماره ۱: نوبت اول (میان سال) ۹۸
- امتحان شماره ۲: نوبت اول (میان سال) ۱۰۰
- امتحان شماره ۳: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۲
- امتحان شماره ۴: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۴
- امتحان شماره ۵: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۶
- امتحان شماره ۶: نوبت دوم (پایان سال) ۱۰۸
- امتحان شماره ۷: نوبت دوم (خرداد ۱۴۰۳) ۱۱۰
- پاسخ امتحانات ۱۱۲



ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ

الْأَفْعَالُ وَالضَّمَائِرُ وَأَسْمَاءُ الْإِشَارَةِ + التَّعَاظِفُ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

واژگان و ترجمه

بخش اول:

واژگان

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الحمد	ستایش	—
يَلَهُ: لِـ + الله	برای خداوند، مال خداوند	«لِ» به «الله» بحسب، «ا» اول «الله» حذف می‌شود.
السَّمَاوَاتِ	آسمان‌ها	جمع مؤنث سالم: السَّمَاءُ
الأَرْضِ	زمین	مؤنث معنوی
أَنْظُرُ	نگاه کن، ببین	فعل امر
ذات	دارای	این کلمه را با «ذات» به معنای «درون، باطن» اشتباه نگیرید.
العُصْنِ	شاخه‌ها	مفرد: العُصْنِ
النَّضِيرَةِ	تر و تازه	دام: خَضِرَةٌ: سرسبز
نَمَتْ	رشد کرد	فعل ماضی «نما» - مضارع «يَنمو»
حَبَّةٌ	دانه	جمع مکسر: حُبُوبٌ
إِبْحَثْ	جست‌وجو کن، بگرد	فعل امر
قُلْ	بگو	فعل امر - ماضی: قَالَ، مضارع: يَقُولُ
مَنْ ذَا	این چه کسی است؟	—
يُخْرِجُ	بیرون می‌آورد	فعل مضارع
الشَّمْسِ	خورشید	مؤنث معنوی
جَذْوَةٌ	پاره آتش	—
مُسْتَعْرَةً	فروزان	—
ضِيَاءٌ	نور، روشنائی	مترادف: ضَوْءٌ
مُنْتَشِرَةً	پراکنده	—
أَوْجَدَ	به وجود آورد، پدید آورد	«وَجَدَ: یافت»
الشَّرَرَةِ	پاره آتش	—
ذَلِكَ	آن	—
أَنْعَمَ	نعمت‌ها	مفرد: نِعْمَةٌ - مترادف: نِعَمٌ
واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
مُنْهَمِرَةٌ	ریزان	—
بَالِغَةٌ	کامل	—
زَانَ	زینت داد	فعل ماضی - مضارع «يَزِينُ»
أَنْجَمَ	ستارگان	مفرد: نَجْمٌ - مترادف: نُجُومٌ
الدَّرَرِ	مرواریدها	مفرد: الدَّرَرِ
الغَيْمِ	ابر	جمع مکسر: الغُيُومُ
مَطَرٌ	باران	جمع مکسر: أمطار
صَيَّرَ	گردانید	دام: صار: شد
إِغْبِرَارٌ	تیره‌رنگی، غبارآلودگی	—
خَضِرَةٌ	سرسبز	دام: أَخْضَرُ، خَضِرَاءُ: سبز
سَقَى	شکافت	—
جَهَّزَ	مجّه‌ز کرد	—
مُفْتَكِرَةٌ	اندیشمند	—
التَّعَاظِفُ	آشنایی	—
قَاعَةٌ	سالن	مترادف: صَالَةٌ
مَطَارٌ	فرودگاه	دام: «الأمطار: باران‌ها» یا «المطر: باران»
صَبَاحَ الْخَيْرِ	صبح بخیر	اصطلاح
صَبَاحَ النُّورِ	صبح به خیر -	اصطلاح در پاسخ «صبح‌الخير»
وَالشُّرُورِ	صبح نورانی و شاد	—
عَفْوًا	بخشید	اسم اما در معنای فعل!
مِنْ أَيْنَ؟	اهل کجایی؟	—
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟	نام شریف‌تان چیست؟	—
مَعَ الْأَسْفِ	متأسفانه	اصطلاح

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الْغَدَوَان	دشمنی	متضاد: الصَّدَاقَة، الخُلَّة، مترادف: العداوة
حَصَدَ	درو کرد	—
قَدَرْتُ	قادر شدی	مترادف: اِسْتَطَعْتُ
صَعَّ	قرار بده	فعل امر؛ ماضی: وَصَعَّ، مضارع: يَصْعُ
الأحجار	سنگ‌ها	مفرد: الحَجَر
الغالية	گران	متضاد: الرخيصة
اللون	رنگ	جمع مکسر: الألوان
الابيض	سفید	مؤنث: البَيضاء
كوكب	سیاره، ستاره	جمع مکسر: كواكب
الملابس	لباس‌ها	مفرد: المَلْبَس
الْقُستَان	پیراهن زنانه	جمع: القُستَاتين
فائزات	برنده‌ها	مفرد: فائِزة
البطارية	باتری	—
الأصدقاء	دوستان	مفرد: الصَّدِيق - متضاد: الأعداء، العدی
نام	خواهید	مضارع: يَنَامُ - مترادف: رَقَدَ
نهاية	پایان	متضاد: بَدَايَة - «نهایت» نادرست است.
ناجح	پیروز، موفق	مترادف: فائِز، متضاد: راسب
مسرور	شاد	متضاد: حَزِين
يمين	راست	متضاد: يَسَار
شراء	خریدن	متضاد: بَيْع
مسموح	مُجاز	متضاد: مَمْنوع
مُجِدَّ	کوشا	مترادف: مُجْتَهِد، نَشِيط
مستعينا بـ	با کمک گرفتن از	—
مُحَافَظَة	استان	—
يَتَفَكَّرُونَ	می‌اندیشند	فعل مضارع
رَبَّنَا	ای پروردگار ما	—

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
أَنْ أَسَافِرَ	که سفر کنم	—
إِلَى اللِّقَاءِ	به امید دیدار	اصطلاح برای خداحافظی
فِي أَمَانٍ مِنَ اللَّهِ	در امان خدا، خدا نگهدارت	اصطلاح برای خداحافظی
كَمُلَ	کامل کن	فعل امر؛ ماضی: كَمَّلَ، مضارع: يُكَمِّلُ
لِمَ	چرا	مخفف «لِمَاذَا»
إِعْمَلُوا	انجام دهید	فعل امر؛ دَامَ، اِعْمَلُوا: بدانید
صَالِحاً	کاری نیکو، کاری شایسته	مترادف: الحسنة، متضاد: السيئة، السوء
لَا تَجْعَلْ	قرار نده	فعل نهی
كثرة	زیادی	متضاد: قِلَّة
صَوْم	روزه	مترادف: صِيَام
صدق الحديث	راستگویی	—
أداء الأمانة	امانتداری	—
أطلبوا	طلب کنید	فعل امر
الضمين	چین	—
فَرِيضَة	واجب دینی	جمع: فَرَايِضُ
عَيْنٌ	مشخص کن	فعل امر
كَأَنَّ	گویی، مثل این که	—
تَعِيشُ	زندگی می‌کنی	متضاد: تَمُوتُ
تَمُوتُ	می‌میری	متضاد: تَعِيشُ
غَدَاً	فردا	متضاد: أَمْسَ
مَلَكٌ	به فرمانروایی رسید	—
الأراذل	فرومایگان	مفرد: الأَزْدَل؛ متضاد: الأَفْضَل
الأفاضل	شایستگان	مفرد: الأَفْضَل؛ متضاد: الأَرَاذِل

کار با متن

متن	فعالیت	ترجمه
۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾	کَمَلْ ←	 از آن خدایی است که و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را
۲ أَنْظُرْ لَيْتَكَ الشَّجَرَةَ ذَاتَ الْعُصُونِ النَّصِيرَةِ	کَمَلْ ←	به آن درخت که دارای تر و تازه است.
۳ كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً	صَحَّحْ (۲) ←	چگونه از دانه‌ای به وجود آمد و چگونه درختی را ساخت؟
۴ فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	۱) پس سخن بگو و بگو چگونه از آن میوه‌هایش بیرون آمد؟ ۲) پس جست‌وجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می‌آورد؟
۵ وَ انْظُرْ إِلَى السَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَةً	کَمَلْ ←	و به خورشیدی بنگر که پاره آتش آن است. ۱) فروزان ۲) نمایان
۶ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	چه کسی آن را مانند در فضا ۱) پاره آتش - یافت ۲) اخگر - به وجود آورد
۷ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ لَهُ	صَحَّحْ (۲) ←	او همان خدایی است که نعمتش همیشگی است.
۸ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ	إِنْ تَخَيَّبْ ←	۱) و ستارگانش را زینت داد، گویی مروارید پخش شده‌اند! ۲) و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد!

۱- «صَحَّحْ (۲)» به این معنی است که در ترجمه ۲ خطا وجود دارد و باید اصلاح نمود. «ص ام خ» به این معنی است که مشخص شود عبارت مذکور از نظر مفهومی صحیح است یا خطا.

معن	فعالیت	ترجمه
۹	صَحَّ (۲) ←	پس زمین پس از اندوه با آن سرسبز شد.
۱۰	كَمَلْ ←	و به بنگر و بگو چه کسی را در آن
۱۱	إِتَخَبْ ←	۱) این کیست که آن را با نیرویی اندیشمند مجهز نمود؟ ۲) هر کس آن را مجهز نموده است نیرویی اندیشمند دارد.
سایر جملات مهم درس		
۱۲	كَمَلْ ←	الغيمُ بخارٌ مُتراكِمٌ في السماءِ ينزلُ منه المطرُ. ابر، بخاری در آسمان است که از آن فرود می آید.
۱۳	إِتَخَبْ ←	﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ۱) در آفرینش آسمان و زمین ها می اندیشیدند. ۲) در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشیدند.
۱۴	كَمَلْ ←	﴿وَرَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ این را نیافریدی.

سوالات واژگان و ترجمه

بخش دوم:

اجعل كل كلمة من الشطر التالي في مكانها المناسب. (کلمات زائدتان)

قليل - الصديق - الغيم - الظلمة - مسموح - المطر - مسرور - بداية - أوجد - مראה - نام - ناجح - قريب - جميل

۱۵- السحاب	=		۱۶- كثير	≠		۱۷- العذو	≠	
۱۸- الضياء	≠		۱۹- أنشأ	=		۲۰- رقد	=	
۲۱- حزين	≠		۲۲- بعيد	≠		۲۳- قبيح	≠	
۲۴- نهاية	≠		۲۵- ممنوع	≠		۲۶- راسب	≠	

اكتب كلمة مناسبة حسب التوضيحات.

۲۷- هو الذي أنعمه منهمرة.	الجو	☐	الغيم	☐	الله	☐
۲۸- في ضياء و حرارة و جذوتها مستعرة.	الشمس	☐	القمر	☐	الثور	☐
۲۹- بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.	الشجرة	☐	الغيم	☐	التجم	☐
۳۰- كوكب يدور حول الأرض و ضوءه من الشمس.	الثمرة	☐	المطر	☐	القمر	☐
۳۱- تزين المرأة نفسها ب و هي من الأحجار الجميلة.	الفيستان	☐	الدر	☐	الملابس	☐
۳۲- نمت الشجرة من	وزقة	☐	حبة	☐	حرارة	☐
۳۳- من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.	الأنعم	☐	الفيستان	☐	الدر	☐
۳۴- قطعة منفصلة من النار المستعرة.	الشررة	☐	القمر	☐	الضياء	☐

اكتب كلمة تناسب الصور.



..... ۳۹-



..... ۳۸-



..... ۳۷-



..... ۳۶-



..... ۳۵-

اكتب ما يطلب منك.

۴۰- الغيمه	جمع	←	۴۱- الأنعم	مفرد	←	۴۲- الدر	جمع	←	۴۳- الحجر	جمع	←
۴۴- العن	جمع	←	۴۵- الشجر	جمع	←	۴۶- الأنجم	مفرد	←	۴۷- ألوان	مفرد	←

انتخب الكلمة الغريبة.

- | | | | |
|---------------|-----------|----------|---------|
| ٤٨- (١) ورق | ٢) شجرة | ٣) ليل | ٤) غصن |
| ٤٩- (١) كثيرة | ٢) منهمرة | ٣) وافرة | ٤) جذوة |
| ٥٠- (١) مطار | ٢) سحاب | ٣) مطر | ٤) غيم |
| ٥١- (١) حرارة | ٢) نضرة | ٣) جذوة | ٤) شرزة |
| ٥٢- (١) لون | ٢) شتاء | ٣) ربيع | ٤) خريف |
| ٥٣- (١) أكبر | ٢) أحمر | ٣) أخضر | ٤) أزرق |

اكتب معنى المفردات التي تحتها خط.

- ٥٤- أنظر إلى الغيم فمن أنزل منه مطره؟
 ٥٥- كيف نمت من حبة؟
 ٥٨- وزانة بأنجم.
 ٥٩- أنظر إلى الشمس التي جذوتها مستعرة.
 ٦٠- فيها ضياء وبها حرارة منتشرة.
 ٦١- من أوجد فيه قمره؟
 ٥٥- هو الله الذي أنعمه منهمرة.
 ٥٧- فأبحث وقل من ذا الذي يخرج منها الثمرة؟

انتخب كلمة مناسبة للفراغ.

- ٦٢- قال أحد الموظفين في المطار.
 ٦٣- قطعة من التار.
 ٦٤- حالك؟ أنا بخير.
 ٦٥- قول نصف العلم.
 ٦٦- هل إلى إيران حتى الآن يا صديقي؟
 ٦٧- زان الله الليل بـ
 ٦٨- تلك الشجرة ذات الغصون
 ٦٩- كيف الأرض مخضرة؟
 دار
 الشرة
 ماذا
 ما أنزل
 أسافر
 الغيوم
 الرخيصة
 صارت
 قاعة
 الذرر
 كيف
 لا يخلق
 سافروا
 الغصون
 النضرة
 أنزلت
 مرقب
 القمر
 أين
 لا أعلم
 سافرت
 النجوم
 الشرة
 أنمرت

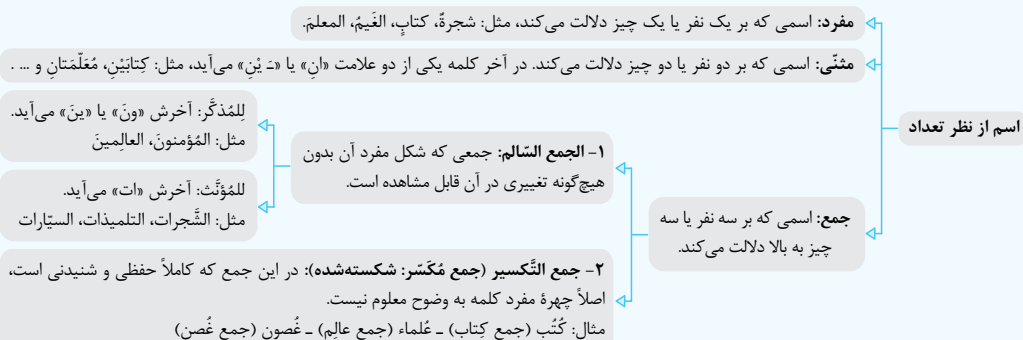
ترجم العبارات.

- ٧٠- ما سافرت حتى الآن لكنني أحب أن أسافر.
 ٧٢- وبحت عن الأشجار وقال من يخرج منها الثمرة؟
 ٧٤- وانظر إلى المزم وقل من شق فيه بصره.
 ٧٦- ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين
 ٧٨- لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم.
 ٨٠- ويتفكرون في خلق السماوات والأرض
 ٧١- نمت الشجرة من حبة وصارت شجرة مرتفعة.
 ٧٣- قضير الأرض به بعد اغبار خضره.
 ٧٥- من ذا الذي جهزه بقوة مفكره.
 ٧٧- اطلبوا العلم ولو بالصين فإن طلب العلم فريضة.
 ٧٩- قول «لا أعلم» نصف العلم.

قواعد درس - الأفعال والضمائر وأسماء الإشارة

بخش سوم

در درس اول عربى سال دهم مهم ترين قواعد سال هاى هفتم تا نهم را مرور مى كنيم.
 اسم ها از نظر تعداد به سه دسته مفرد، مثنى و جمع، تقسيم مى شوند كه در زير با آن ها آشنا مى شويم:



■ اسم‌ها از نظر جنس به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند:

۱- مُذَكَّر: اسمی که دلالت بر جنس نر (الذکر) یا صفات آن دارد.

۲- مُؤنَّث: اسمی که دلالت بر جنس ماده (الأنثی) یا صفات آن دارد.

این اسم‌ها عمدتاً نشانه‌هایی از قبیل «ة، ی، اء» دارد که البته جزء حروف اصلی شان نیست، مثل: شَجَرَة، کُبْرَى، صَحْرَاء.

اسم از جهت جنس

راه تشخیص جنس یک اسم

مهم‌ترین نشانه مؤنث یا مذکر بودن یک اسم، معنا و حقیقت آن است. به عنوان مثال «حَمْرَة» مذکر است هرچند «ة» دارد و «زینب» مؤنث است اگرچه «ة» ندارد. اسامی مانند «أُم، بِنْت، أُخْت و ...» نیز به همین صورت‌اند.

نکات ۱ «ت» نشانه مؤنث نیست. مثلاً «الْبَيْت، الصَّوْت، المَوْت، الوَقْتُ و ...» مذکر هستند.

۲ «ی، اء» زمانی نشانه مؤنث است که جزء ریشه کلمه (سه حرف اصلی) نباشد، یعنی این که اگر «ی، اء» را برداریم، حداقل سه حرف باقی بماند. مثل: صَحْرَاء (مؤنث)، ماء (مذکر)، هُدَى = هدایت (مذکر)

مؤنث‌های «معنوی» اسامی که حقیقت و واقعیت ماده را ندارند و نشانه‌های تأنیث (ة، ی، اء) هم ندارند، مؤنث‌های معنوی می‌نامیم که در زبان عربی مؤنث به شمار می‌آیند.

مثال اَرْض: زمین - شَمْس: خورشید - حَرْب: جنگ - بَیْر: چاه - نَفْس: وجود - رِيح: باد - دار: خانه - نار: آتش - جَهَنَّم: دوزخ - سَمَاء: آسمان و ...
اعضاء زوج بدن: يَد: دست - عَيْن: چشم - رِجْل: پا - أُذُن: گوش - كَتِف: شانه - كَف: کف دست
نام کشورها، شهرها و اماکن (چه عربی چه غیرعربی): ایران، حجاز، طهران، ...

نکته اگر اسمی جمع مکسر باشد، برای تشخیص در مورد جنس (مذکر و مؤنث) ابتدا باید آن را مفرد کنیم و از مفرد آن، جنس را تشخیص دهیم. پس هر اسم مفردی که مذکر باشد، جمعش هم مذکر است، حتی اگر نشانه تأنیث داشته باشد.

مثال الطَّالِب ← الطَّلَبَة (دانش‌آموزان، دانشجویان) - القائد ← القادة (رهبر، رهبران) - الأخ ← الإخوة (برادر، برادران)

دام‌های مهم و کاربرد

- اسم دارای «ة» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل حَمْرَة، طَلْحَة، مُعَاوِیَة یا جمع مکسر باشد، مثل طَلَبَة (ج طالب)، إِخْوَة (ج أخ)، قَادَة (ج قائِد)، سَادَة (ج سَيِّد) و ...
- اسم دارای «ان» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثال: نِسْیان: فراموشی، دَوْران: چرخش، جَزْیان: جاری شدن، عَطْشان: تشنه، جَوْعان: گرسنه، غَضبان: خشمگین، غَضبان: نافرمانی، فُستَان: لباس زنانه و ... یا جمع مکسر باشد، مثال: أَغْصان (ج غُصن)، أَلوان (ج لون)، أَذیان (ج دین)، غُزْالان (ج غَزال)، إِخوان (ج أخ)، أَحران (ج حُزن) و ...
- اسم دارای «ین» نشانه مثنی یا «ین» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثال: دین، مِسکین و ... یا جمع مکسر باشد، مثل مَضامین (ج مَضْمون)، قَوانین (ج قانون)، شَیاطین (ج شَیطان)، دَواوین (ج دیوان)، مِیادین (ج میدان)، فُساتین (ج فُستان)، سَلاطین (ج سُلطان)، بَساتین (ج بَستان) و ...
- اسم دارای «ات» ممکن است مفرد باشد، مثل ذات: درون، دارای، ثبات: گیاه و ... یا جمع مکسر باشد، مثال: أَصوات (ج صَوْت)، أَوقات (ج وَقت)، أَمْوات (ج مَیْت)، أَبیات (ج نِیْت)، بَنات (ج بِنْت) و ...
- اسم دارای «ون» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثال: دَوْن: به‌جز، جُنون: دیوانگی یا جمع مکسر باشد، مثل غُصون (ج غُصن)، دِیون (ج دین)، فُنون (ج فَن)، عُیون (ج عَین: چشمه)، قُرُون (قرن) و ...

ضع هذه الكلمات في مكانها المناسب ثم ترجمها.

الحمدُ - السماوات - العُصون - فائزات - الشَّمس - جَدَوَتین - أَنْعُم - أَنْجُم - الصَّالِحون - مطاران - الإسلامیة -
اللقاء - أبحاثاً - دِقَّة - کواکب - النار - عقارب

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
۸۱- _____	۸۲- _____	۸۳- _____	۸۴- _____	۸۵- _____	۸۶- _____	۸۷- _____

۸۸- عَین نوع الجمع في العبارات التالية.

الف) اُنْشَدَ الشَّاعِرُ قَصِیدَةً طویلَةً، الأبیاتُ الجمیلة فیها کثیرة!

ب) اِسْتَمَعْنَا إِلَى أَصواتِ الطَّیُورِ فی الغایة وَ هِیَ جَمِیلةٌ وَ کثیرة!

۸۹- عَین ما فیهِ جمع سالم للمذکر.

۱) إِنْ كُنْتَ مِنَ الضَّائِمِينَ فَلَا تَكْذِبْ فِي أَعْمَالِكَ!

۲) لِكُلِّ بِلَدٍ قَوَانِینُ خَاصَّةٌ یَجِبُ عَلَی النَّاسِ اتِّباعُها!

وزن کلمات در عربی

اکثر اسمها و فعلها در عربی دارای وزن هستند. وزن کلمات را با یافتن حروف اصلی (ریشه) کلمه و قراردادن سه حرف «ف، ع، ل» به جای این سه حرف می‌یابیم.

مثال «جاهِد» از ریشه «جهد» بر وزن «فَاعِل» - «مُتَعَلِّم» از ریشه «علم» بر وزن «مُتَفَعِّل» - «مُشَاهِدَة» از ریشه «شهد» بر وزن «مُفَاعَلَة»

۹۰- أَكْتُبُ وزن الکلمات.

نَضْرَة / يُخْرِجُ / مُسْتَعْرَة / أَوْجَدَ / أَنْعَمَ / بِالْغَة / تَعَاُفُ / أَشْرَفُ / أَحْجَارُ / غَالِيَة / مَلَابِسُ / صَبَّارُ / مَسْمُوحُ / مُجَدِّدُ / يَتَفَكَّرُونَ

اسامی اشاره در عربی

اسم‌های اشاره قبل از کلمات به کار می‌روند و معنای «این، آن، این‌ها و ...» می‌دهند.

مکان	جمع مؤنث	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث	جمع مذکر	مثنی مذکر	مفرد مذکر	
هَنا: این جا	هَؤلاء	هَاتَانِ، هَاتَيْنِ	هَذِهِ	هَؤُلاءِ	هَذَانِ، هَذَيْنِ	هَذَا	لِلْقَرِيبِ (نزدیک)
هَناكَ: آن جا	أولئكَ	—	تِلْكَ	أُولَئِكَ	—	ذَلِكَ	لِلْبَعِيدِ (دور)

نکته اسم اشاره برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هذه، تلك) به کار می‌رود، **مثال** هذه الشَّجَرَات، تلك الأيَّام.

۹۱- ضَع اسم الإشارة المُناسِب.

السَّمَاوَاتِ البَطَارِيَّةُ التَّوْرُ الغُصُونِ
الإِخْوَانِ اليَدَيْنِ الدَّرَجِ المَطَرِ

ترجم الجمل التَّالِيَة.

۹۳- هَؤُلاءِ الْمُؤْمِنُونَ يُصَلُّونَ فِي الْمَسَاجِدِ:

۹۲- تلك شجرة ننظرها في الحديقة كلَّ يوم:

اسم موصول در عربی

اسامی موصول کلماتی هستند که برای وصل کردن کلمات به کار می‌روند و معنای «که، این‌که» دارند.

مفرد مذکر	مثنی مذکر	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	جمع مؤنث	
الَّذِي	الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ	الَّذِينَ	الَّتِي	الَّتَانِ، اللَّتَيْنِ	الَّتَاتِي	خاص
مَنْ						عام (انسان)
مَا						عام (غیر انسان)

نکته اسم موصول برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (الَّتِي) به کار می‌رود. **مثال** هذه الشَّجَرَاتِ الَّتِي، تلك الأيَّامِ الَّتِي.

كَمَلِ الْفَرَاغَ بِالْمَوْصُولِ الْمُنَاسِبِ.

۹۴- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ ۹۵- وَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ جَذَوْنَهَا مُسْتَعْرَة.

۹۶- تِلْكَ الشَّجَرَة ننظرها ذاتُ الغُصُونِ النَّضْرَة. ۹۷- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فِيهِ قَمَرَة.

۹۸- الْفُسْتَاتُ مِنَ الْمَلَابِسِ التَّسَائِيَةِ لَهَا أَلْوَانٌ مُخْتَلِفَة.

ضمایر

اسم‌هایی که معنای «او، تو، من، ما، شما و ...» دارند و گاهی به آخر کلمات می‌چسبند و گاهی هم جدا می‌آیند و از تکرار بی‌مورد اسم‌ها در جمله جلوگیری می‌کنند.

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
المُفْرَدُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ *	هـ
المُثْنَى الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ	هما
الْجَمْعُ الْمَذْكَرُ الْغَائِبُ	هُمْ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ	هم
المُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ *	ها

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
المُتَنِّي الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ	هِمَا
الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ	هِنَّ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتَ	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ*	كَ
الْمُتَنِّي الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُما
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ	كُم
الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ	كِ
الْمُتَنِّي الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُما
الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ	كُنَّ
الْمُتَكَلِّمُ لِلْوَحْدَةِ	أَنَا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ*	سِي
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ*	سَنَا

نکات مهم در مورد ضمایر

- ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف (ه، هما، هم)؛
- اگر به آخر فعل‌ها بچسبند، صدرصد مفعول هستند. ➡ تَرَاهُمْ: آن‌ها را می‌بینی.
- اگر به آخر اسم‌ها بچسبند، صدرصد مضاف‌الیه هستند. ➡ مَدْرَسَتُهُمْ: مدرسه‌شان.
- (در درس ۷ می‌خوانیم) اگر به آخر حروف جرّ بچسبند، مجرور به حرف جرّ هستند. ➡ عَنْهُمْ: درباره‌شان.
- نکته: ضمیر برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) به کار می‌رود، مثال: هَذِهِ كُتُبٌ قَرَأْتُهَا.

عَيْنِ الضَّمَائِرِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۹۹- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَ
- ۱۰۰- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

کلمات پرسشی (استفهام)

کلماتی که معنای پرسش دارند.
اسامی استفهام را در جدول زیر ببینید:

اسم استفهام	ترجمه	نکته	توضیحات
مَنْ (گاهی به صورت «مَنْ + ضمیر» می‌آید، مانند «مَنْ هُوَ»)	چه کسی؟ چه کسانی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	دو نوع «مَنْ» دیگر به نام‌های شرط (هرکس) و موصول (کسی که، کسانی که، که) نیز داریم.
مَا، ماذا	چه چیزی؟ چه چیزهایی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	چند نوع «مَا» دیگر به نام‌های شرط (هر چیز) و موصول (چیزی که، که) و نفی (ما + ماضی) و تعجب (ما + أَفْعَلْ: چه ...) نیز داریم.
كَيْفَ	چگونه؟ چه طور؟	—	—
أَيْنَ	کجا؟	«مِنْ أَيْنَ»: «اهل کجا؟»	در پاسخ از قید مکان استفاده می‌کنیم، مانند «فَوْقَ، تَحْتَ، خَلْفَ، جَنْبَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
مَتَى	کی، چه وقت؟	—	در پاسخ از قید زمان استفاده می‌کنیم، مانند «الْيَوْمَ، غَدًا، أَمْسًا، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
لِمَاذَا	چرا؟	مخفف: «لِمَ»	در پاسخ از «لِمَ» یا «لَأَنَّ» استفاده می‌کنیم.
كَمْ	چندتا؟ چه قدر؟	—	در پاسخ از اعداد استفاده می‌کنیم، مانند «سَبْعَةً، خَمْسَةً، أَرْبَعَةً و ...».
أَيَّ	کدام؟	—	—

نکته: حروف استفهام «أ = هَلْ» به معنای «آیا» هستند که در پاسخ از «نَعَمْ» یا «لا» استفاده می‌کنیم.

ضَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً لِلإِسْتِفْهَامِ.

- ۱۰۱- أَنْظُرْ لَيْتَكَ الشَّجَرَةَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ؟
۱۰۲- ۱۰۲- ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟
۱۰۳- سَافَرَتْ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْفِ!

عَيْنِ اسْمِ الإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبِ لِهَذِهِ الْأَجْوِبَةِ.

- ۱۰۴- تَكْتُبُ التَّمَارِينَ كُلَّ يَوْمٍ؟ أَكْتُبُهَا قَبْلَ الْغُرُوبِ!
۱۰۵- تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا؟ بِسَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ!
۱۰۶- تَسْمَعِينَ قَبْلَ التَّوْمِ فِي اللَّيْلِ؟ أَسْمَعُ صَوْتَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

تَرْكِيبُ إِضَافِي (مُضَافٌ + مُضَافٌ إِلَيْهِ)

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند که در ترجمه بین این دو اسم (بـ) بیاید. این دو اسم از نظر ظاهر (داشتن «ال» و علامت و ...) لزوماً شباهتی به هم ندارند (دوقلو نیستند). راه تشخیص از طریق ترجمه فارسی:

راه اول: بین دو اسم «ویرگول» و آخرشان «است» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود. راه دوم: آخر دو اسم «تر» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.

مثال هذا كتاب عليّ: این، کتاب علی است. «هذا كتاب» ترکیب اضافی نیست، چون در ترجمه بین دو اسم (بـ) نداریم. «كتاب علی» ترکیب اضافی است چون در ترجمه بین آن‌ها (بـ) وجود دارد.

راه تشخیص در فارسی: «کتاب، علی است.» بی‌معنا است ترکیب اضافی

نکته بسیار کاربردی اگر یکی از ضمائر «ه، هما، هم، ها، هنّ، ک، کما، گم، لک، گنّ، ی، نا» به آخر اسم بچسبد، صدردصد مضاف‌الیه است.

مثال کتابه: کتاب او، کتابش - مَدْرَسَتُنَا: مدرسه ما

نکته مضاف، سه چیز نمی‌گیرد:

۱ «ن» آخر اسم مثنی (ان، یَئِن) یا اسم جمع مذکر سالم (ون، یَئِن):

مثال مُعَلِّمُونَ (جمع سالم) + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ شَجَرَتَانِ (مثنی) + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَتَا الْحَدِيقَةِ

دام مهم دقت کنید که «ن» آخر جمع مکسر عمراً حذف نمی‌شود، چون «ن» جزء حروف اصلی آن است.

مثال مَسَاكِين (جمع مکسر) + إِيْرَان = مَسَاكِينُ إِيْرَان

۲ «ال» **مثال** الْمُعَلِّمُونَ + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ

۳ «توین ء، ب، ء» **مثال** شَجَرَةُ + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَةُ الْحَدِيقَةِ

تَرْكِيبُ وَصْفِي

دو اسم در کنار هم می‌آیند و دوقلو هستند (همه‌جوره شبیه هم‌اند).

■ صفت (اسم دوم) از نظر تعداد (مفرد، مثنی و جمع)، از نظر جنس (مذکر و مؤنث)، از نظر علامت (مرفوع، منصوب و مجرور) کاملاً شبیه و تابع موصوف (اسم اول) است.

■ در راه تشخیص فارسی، ترکیب وصفی بامعنا است. (بین دو اسم ویرگول و آخر دو اسم «است» بگذاریم یا اینکه بعد از پایان اسم دوم «تر» بگذاریم).

مثال «کتاب سودمند»: کتاب، سودمند است. ✓ «کتاب علی»: کتاب، علی است. ✗

کتاب سودمندتر ✓ کتاب علی‌تر ✗

مثال هذا كتابٌ مُفِيدٌ: این کتابی سودمند است. - هذه شَجَرَةٌ مُفِيدَةٌ: این درختی سودمند است. - جاءَ عُلماءٌ مُفِيدُونَ: دانشمندانی سودمند آمدند. -

رَأَيْتُ بَنَاتًا مُؤَدَّبات: دخترانی بالاد را دیدم.

نکته اگر موصوف، جمع غیر انسان (غیرعافل) باشد، برای آن از صفت مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم.

مثال کتاب‌های سودمند: الْكُتُبُ الْمُفِيدَةُ - الْغُيُومُ الْمَاطِرَةُ: ابرهای باران‌زا

تَرْكِيبُ وَصْفِي إِضَافِي

حالتی که در آن یک اسم هم‌زمان هم مضاف‌الیه بگیرد هم صفت!

مثال دوست عزیز من: اسم «دوست» از طرفی صفت «عزیز» دارد و از طرفی به ضمیر «من» اضافه شده است (مضافاً و موصوفاً معاً).

■ در فارسی پس از اسم موصوف مضاف (دوست) ابتدا صفت (عزیز) می‌آید بعدش مضاف‌الیه (من)، اما در عربی برعکس است. ابتدا مضاف‌الیه می‌آید، سپس صفت!

■ به طور کلی فرمول «اسم + ضمیر + اسم «ال» دار» همیشه بیانگر ترکیب وصفی اضافی است و فرمول «اسم + اسم «ال» دار یا خاص + اسم «ال» دار» عمدتاً (نه همیشه) بیانگر ترکیب وصفی اضافی است.

مثال صَدِيقَةُ + ي + الْعَزِيزَةُ = صَدِيقَتِي الْعَزِيزَةُ (دوست عزیزم)

■ مُعَلِّمٌ + الْمَدْرَسَةُ + الْمُشْفِقُ = مُعَلِّمُ الْمَدْرَسَةِ الْمُشْفِقُ (معلم دلسوز مدرسه) ■ كُتُبٌ + زَهْرَاءُ + الْمُفِيدَةُ = كُتُبُ زَهْرَاءَ الْمُفِيدَةِ (کتاب‌های مفید زهرا)

۱۰۷- عَيْنُ الموصوف و الصِّفة و المضاف و المضاف إليه.

الدرس الاول / ذات الغصون النَّضرة / ذو حكمةٍ بالغةٍ / الدَّرَرُ المُنْتَشِرة / مطار التَّجَفِّ الأشرَف / صباحُ التَّوَر / حَالِكُ / الجُمهورِيَّة الإسلاميَّة الإيرانيَّة / اسْمُكَ الكريم

فعل

کلمه‌ای است دارای معنای مشخص همراه زمان!

در عربی فعل‌ها به ۱۴ صیغه آمده و در سه گروه (غائب، مخاطب، متکلم) تقسیم می‌شوند.

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی (مشابه زبان فارسی)

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلْغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أنثما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أنثما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ
لِلْغَائِبَيْنِ	هُما	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُما	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلْغَائِبَيْنِ	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلْغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلْغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلْغَائِبَيْنِ	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلْغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلْغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أنثما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أنثما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ

مرو مهم ترین زمان فعل هادر عربی

نوع فعل	فرمول عربی	فرمول فارسی	مثال
ماضی استمراری	كان + مضارع	می + ماضی	گنتم تقرئون: می‌خواندید
ماضی نقلی	قَدْ + ماضی	صفت مفعولی (ماضی + ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند	قد أنزلنا: نازل کردیم، نازل کرده‌ایم
ماضی منفی	ما + ماضی ساده، بعید، استمراری، نقلی	«ن» + فعل ماضی	ما رجعنا: برنگشتیم - ما کانا یَنصرون: یاری نمی‌کردند
مستقبل (آینده)	سَ، سَوْفَ + مضارع	خواه + شناسه‌ها + بن ماضی	سَوْفَ نَحْصِلُ: دست پیدا خواهیم کرد
فعل امر	۱- حذف «ت» اول فعل ۲- اگر اول فعل ساکن شود، آوردن «ا» یا «أ» اول فعل ۳- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ـ یا «ن» به جز صیغه جمع مؤنث «أَنْتُنَّ»)	ب + بن مضارع + شناسه	تَكَلَّمِي: سخن بگو إشربوا: بنوشید
فعل نهی	۱- آوردن «لا» اول فعل ۲- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ـ یا «ن» به جز دو صیغه جمع مؤنث «هُنَّ، أَنْتُنَّ»)	ن + بن مضارع + شناسه‌ها	لا تَجْلِسْ: ننشین لا تَشْرَبُوا: ننوشید
نفی (مضارع منفی)	أوردن «لا» اول فعل	ن + فعل مضارع	لا تَشْرَبُونَ: نمی‌نوشید

اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

- ۱۰۸- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ.
 ۱۱۰- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ.
 ۱۱۲- هُنَّ مَا كُنَّ يَذْهَبْنَ بِسُرْعَةٍ.
 ۱۱۴- لَا تَنْظُرْ هُنَاكَ.
 ۱۰۹- كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ؟
 ۱۱۱- لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.
 ۱۱۳- إِنَّا سَوْفَ نَجْلِسُ هُنَا.

اَكْمَلِ الْفَرَاقَاتِ.

فعل ماضى	فعل مضارع	فعل امر	فعل ماضى استمرارى	فعل نهى	فعل مستقبل	ضمير	حروف اصلى
شَرِبْتُمْ	۱۱۵-	۱۱۶-	۱۱۷-	۱۱۸-	۱۱۹-	أَنْتُمْ	۱۲۰-
۱۲۱-	تَخْرُجِينَ	۱۲۲-	۱۲۳-	۱۲۴-	۱۲۵-	۱۲۶-	خرج

اعداد و بیان ساعت در عربی

■ اعداد در عربی دو نوع اند:

- اعداد اصلی: اعدادی که برای شمردن افراد و اشیاء و ... به کار می‌روند، مانند یک، دو، سه و
 - اعداد ترتیبی: اعدادی که برای بیان رتبه و ترتیب استفاده می‌شوند، مانند اول، دوم، سومین، چهارم و
- از اعداد ترتیبی (به جز «الأول») برای بیان ساعت نیز استفاده می‌شود.

اعداد اصلی

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازده	أَحَدَ عَشَرَ - إحدى عشرة
۱۲	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ - إثني عشر - اثنتا عشرة - اثنتي عشرة
۱۳	سیزده	ثَلَاثَةَ عَشَرَ - ثلاث عشرة
۱۴	چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ - أربع عشرة
۱۵	پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ - خمس عشرة
۱۶	شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ - ست عشرة
۱۷	هفده	سَبْعَةَ عَشَرَ - سبع عشرة
۱۸	هجده	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ - ثمانی عشرة
۱۹	نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ - تسع عشرة
۲۰	بیست	عِشْرُونَ - عشرين

عدد	به فارسی	به عربی
۰	صفر	صفر
۱	یک	واحد - واحدة
۲	دو	اثنان - اثنین - اثنتان - اثنتین
۳	سه	ثلاثة - ثلاث
۴	چهار	أربعة - أربع
۵	پنج	خَمسة - خمس
۶	شش	سِتة - ست
۷	هفت	سَبعة - سبع
۸	هشت	ثَمَانیة - ثمانی
۹	نه	تِسعة - تسع
۱۰	ده	عَشرة - عشر

اعداد ترتیبی

اعدادی که برای بیان ترتیب و رتبه به کار می‌روند.

- این اعداد در ترجمه فارسی به صورت «م، م، مین یا برای بیان ساعت» به کار می‌روند.
- اعداد ترتیبی همیشه با «ال» می‌آیند و از ۲ تا ۱۹ بر وزن «فَاعِل» هستند.

این اعداد همیشه بعد از معدود می آیند، مانند ۱ و ۲ اصلی (معدود + عدد).

عدد	به فارسی	به عربی
۱	یکم	الأول - الأولى
۲	دوم	الثاني - الثانية
۳	سوم	الثالث - الثالثة
۴	چهارم	الرابع - الرابعة
۵	پنجم	الخامس - الخامسة
۶	ششم	السادس - السادسة
۷	هفتم	السابع - السابعة
۸	هشتم	الثامن - الثامنة
۹	نهم	التاسع - التاسعة
۱۰	دهم	العاشر - العاشرة

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازدهم	الحادي عشر - الحادية عشرة
۱۲	دوازدهم	الثاني عشر - الثانية عشرة
۱۳	سیزدهم	الثالث عشر - الثالثة عشرة
۱۴	چهاردهم	الرابع عشر - الرابعة عشرة
۱۵	پانزدهم	الخامس عشر - الخامسة عشرة
۱۶	شانزدهم	السادس عشر - السادسة عشرة
۱۷	هفدهم	السابع عشر - السابعة عشرة
۱۸	هجدهم	الثامن عشر - الثامنة عشرة
۱۹	نوزدهم	التاسع عشر - التاسعة عشرة
۲۰	بیستم	العشرون - العشرين

بیان ساعت: ساعت را به چهار صورت می توان بیان کرد:

- ساعت کامل: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + تماماً ➡ الساعة الخامسة تماماً
 - ساعت + ۱۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ الرَّبْع ➡ الساعة الخامسة وَ الرَّبْع
 - ساعت + ۳۰: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ النَّصْف ➡ الساعة الخامسة وَ النَّصْف
 - ساعت + ۴۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث بعدی (به جز ۱) + إِلَّا رُبْعاً ➡ الساعة السادسة إِلَّا رُبْعاً
- نکات ۱ برای ساعت یک از عدد اصلی «الواحدة» استفاده می کنیم.

۲ برای بیان دقیقه در زبان عربی از اعداد اصلی استفاده می کنیم، مثلاً ۲۷ دقیقه می شود «سبعة و عشرون دقيقة».

روزهای هفته	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع
عربی	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة	الجمعة
فارسی	شنبه (ابتدا)	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه (وسط هفته)	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه (انتها)	جمعه (انتها)

فصل های سال	ترتیب	الأوّل	الثّاني	الثّالث	الرّابع
	عربی	الرّبيع	الصّيف	الخريف	الشتاء
	فارسی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان

جوايز	ترتيب	الأول	الثاني
	عربي	الذهب	الفضة
	فارسي	طلا	نقره

اكتب الساعات باللغة العربية.

۱۲۸ - ۱۵ : ۶

۱۳۰ - ۳۰ : ۳

۱۲۷ - ۴۵ : ۸

۱۲۹ - ۰۰ : ۱

كَمَلِ الْفَرَاغ.

۱۳۲- للفائز الثاني جائزة

۱۳۱- الفصل في السَّنة هو فصل الشتاء!

۱۳۳- اليوم الوسط في أيام الأسبوع هو يوم

سؤالات قواعد

بخش چهارم:

ترجم هذه الجمل و اكتب نوع الأفعال.

- ١٣٤- و إنا سوف نكتب أبحاثاً. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٥- كانوا يكتبون بدقة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٦- لا تكتب على الجدار. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٧- ما كتبنا تماريننا. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٨- أنتم لا تكتبون بسرعة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٩- ضغ في الفراغ كلمة مناسبة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٤٠- اكتبوا واجباتكم. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٤١- كنش تكتب رسالتك. ترجمه: نوع الفعل:

أرسم عقارب الساعات.



انتخب الفعل المناسب للفراغ.

- ١٤٨- يا صديقي، هل كلامك؟
- ١٤٩- ماذا أيتها الوالدة؟
- ١٥٠- لون الشجرة
- ١٥١- أصدقائي من العطلات.
- ١٥٢- الأطفال في ساحة المدرسة.
- ١٥٣- رجاء من السيارة.
- ١٥٤- إني، من أنت؟
- ١٥٥- فستاناً من السوق.
- ١ (1) ذكرت ٢ (2) ذكرت ٣ (3) قرأت
- ١ (1) عملت ٢ (2) يفعل ٣ (3) عمل
- ١ (1) أبيض ٢ (2) أخضر ٣ (3) أسود
- ١ (1) رجعوا ٢ (2) رجعنا ٣ (3) رجع
- ١ (1) يلعب ٢ (2) يفتح ٣ (3) يأخذ
- ١ (1) اطلبوا ٢ (2) انزلوا ٣ (3) طلبوا
- ١ (1) لا أعرفك ٢ (2) لا أطلبك ٣ (3) ما جلت
- ١ (1) رجعنا ٢ (2) اشترينا ٣ (3) قرأنا

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب.

هؤلاء الرجال - هذان التلميذان - تلك البطارية - هؤلاء فائزات - هاتان زججتان - أولئك الفائزون

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
١٥٦-	١٥٧-	١٥٨-	١٥٩-	١٦٠-	١٦١-

پاسخ سوالات درس ۱

۵۳. گزینه «۱»؛ ۱- اُکبر (بزرگ‌ترین) ۲- اَحَمَر (قرمز) ۳- اَخْضَر (سبز) ۴- اَزْزَق (آبی)
۵۴. ایر؛ ترجمه: نگاه کن به ابر پس کیست که از آن باران را فرود آورد؟
۵۵. ریزان؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۵۶. رشد کرد؛ ترجمه: چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟
۵۷. جست‌وجو کن؛ ترجمه: پس جست‌وجو کن و بگو کیست کسی که از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۵۸. آراست، زینت داد؛ ترجمه: و آن را با ستارگانی آراست.
۵۹. فروزان؛ ترجمه: نگاه کن به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است.
۶۰. روشنایی؛ ترجمه: در آن روشنایی است و به وسیله آن گرما پراکنده می‌شود.
۶۱. پدید آورد؛ ترجمه: چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟
۶۲. قَاعَة (سالن)؛ ترجمه: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه گفت.
۶۳. الشَّرَّة (پاره آتش)؛ ترجمه: پاره‌ای از آتش است.
۶۴. کیف؟ (چگونه)؛ ترجمه: حال تو چگونه است؟ من خوبم.
۶۵. لا أَعْلَمُ (نمی‌دانم)؛ ترجمه: سخن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است (نصف علم است).
۶۶. سافَرْتُ (سفر کرده‌ای)؛ ترجمه: آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای، ای دوست من؟
۶۷. النُّجُوم (ستارگان)؛ ترجمه: خدا شب را با ستارگان آراست.
۶۸. النَّصْرَة (تَر و تازِه)؛ ترجمه: آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.
۶۹. صَارَتْ (شد/گردید)؛ ترجمه: چگونه زمین سرسبز گردید؟
۷۰. تاکنون مسافرت نکرده‌ام، اما دوست دارم که مسافرت کنم.
۷۱. درخت از دانه‌ای رشد کرد و درختی بلند شد.
۷۲. و درباره درختان پرس‌وجو کرد و گفت چه کسی از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۷۳. پس زمین را به وسیله آن بعد از غبارآلودگی سرسبز گرداند.
۷۴. و به انسان بنگر و بگو کیست که در (چهره) او چشم را شکافت.
۷۵. این کیست که او را به قدرت تفکر مجهز نمود.
۷۶. پروردگارا ما را با گروه ستمگر قرار نده.
۷۷. دانش بجوئید اگرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش واجب است.
۷۸. به زیادی نماز و روزه‌شان نگاه نکنید.
۷۹. گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است.
۸۰. و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۸۱. مفرد مذکر: الحمد (ستایش)، اللقاء (دیدار)
۸۲. مفرد مؤنث: الشمسی (خورشید)، الإسلامیة (اسلامی)، دَقَّة (دقت)، النار (آتش)
۸۳. مثنی مذکر: مطاران (دو پروازگاه)
۸۴. مثنی مؤنث: جذوتین (دو پاره آتش)
۸۵. جمع مذکر سالم: الصالحون (درستکاران)
۸۶. جمع مؤنث سالم: السماوات (آسمان‌ها)، فائزات (بَرنده‌ها)
۸۷. جمع مکسر: الغُصون (شاهه‌ها)؛ جمع الغُصن، أنعم (نعمت‌ها)؛ جمع نعمة، کواکب (ستارگان)؛ جمع کوکب، أنجم (ستارگان)؛ جمع نجم، أبحاثاً (پژوهش‌ها)؛ جمع بحث، عقارب (عقربه‌ها)؛ جمع عقربة
۸۸. الف (الف)؛ جمع مکسر / ب (ب)؛ جمع مکسر: الطيور - جمع مکسر
۸۹. گزینه «۱»؛ «۱»؛ الضائمين جمع مذکر سالم. «الضائم: روزه‌دار» است.

۱. سپاس - آسمان‌ها - قرار داد ۲. نگاه کن - شاخه‌های
۳. چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟
۴. گزینه «۲» ۵. گزینه «۱» ۶. گزینه «۲»
۷. او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۸. گزینه «۲»
۹. پس زمین را پس از غبارآلودگی با آن سرسبز گردانید.
۱۰. شخص (انسان) - چشمش - شکافت
۱۱. گزینه «۱»
۱۲. فشرده شده - باران ۱۳. گزینه «۲»
۱۴. پروردگارا - بیهوده ۱۵. السحاب (ابر) = الغيم (ابر)
۱۶. کثیر (زیاد) ≠ قليل (کم) ۱۷. العدو (دشمن) ≠ الصديق (دوست)
۱۸. الضياء (روشنایی) ≠ الظلمة (تاریکی)
۱۹. أنشأ (پدید آورد) = أوجد (به وجود آورد)
۲۰. رَفَدَ (بستری شد) = نام (فراپید) ۲۱. حزين (غمگین) = مشرور (شار)
۲۲. بعید (دور) ≠ قريب (نزدیک) ۲۳. قبيح (زشت) ≠ جميل (زیبا)
۲۴. نهایه (پایان) ≠ بدایه (آغاز) ۲۵. ممنوع (غیرمجاز) ≠ مسموح (مجاز)
۲۶. رایب (مردود) ≠ ناجح (موفق)
۲۷. الله؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۲۸. الشمس؛ ترجمه: در خورشید نور و حرارتی است و پاره آتش آن فروزان است.
۲۹. الغيم؛ ترجمه: ابر، بخاری فشرده در آسمان است که باران از آن فرود می‌آید.
۳۰. القمر؛ ترجمه: ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و نور آن از خورشید است.
۳۱. اللُّزْز؛ ترجمه: زن خودش را با مرواریدها می‌آراید، در حالی که آن از سنگ‌های زیباست.
۳۲. حَبَّة؛ ترجمه: درخت از دانه‌ای رشد کرد.
۳۳. القُستَن؛ ترجمه: پیراهن زنانه از لباس‌های زنانه است که دارای رنگ‌های متنوعی است.
۳۴. الشَّرَّة؛ ترجمه: اخگر قطعه‌ای جداگانه از آتش فروزان است.
۳۵. الذَّرر (مرواریدها) ۳۶. النُّجُوم (ستارگان)
۳۷. الشمس (خورشید) ۳۸. الغيم / السحاب (ابر)
۳۹. الحَبَّة (دانه) ۴۰. الغيم جمع (ابرها)
۴۱. الأنعم مفرد (نعمه) ۴۲. الذَّرر جمع (مرواریدها)
۴۳. الحجر جمع (سنگ‌ها) ۴۴. الغُصن جمع (شاهه‌ها)
۴۵. الشَّجَر جمع (درختان) ۴۶. الأنجم مفرد (ستاره)
۴۷. ألوان مفرد (رنگ)
۴۸. گزینه «۳»؛ ۱- ورق (برگ) ۲- شجرة (درخت) ۳- لیل (شب) ۴- غُصن (شاهه)
۴۹. گزینه «۴»؛ ۱- کثیره (زیاد) ۲- مُنهجرة (ریزان) ۳- وافرة (بسیار)
- ۴- جذوة (پاره آتش)
۵۰. گزینه «۱»؛ ۱- مَطَر (فروغده) ۲- سحاب (ابر) ۳- مَطَر (باران) ۴- غيم (ابر)
۵۱. گزینه «۲»؛ ۱- حرارة (گرما) ۲- نَصْرَة (تَر و تازِه) ۳- جذوة (پاره آتش)
- ۴- شَرَّة (اُفَر)
۵۲. گزینه «۱»؛ ۱- لون (رنگ) ۲- شتاء (زمستان) ۳- ربيع (بهار) ۴- خريف (پاییز)

۹۰

وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی
نَضْرَ	نضر	فَعَلَة	أَحْجَار
يُخْرِجُ	خرج	يُفْعِلُ	غَالِيَة
مُسْتَعْرَة	سعر	مُفْتَعَلَة	مَلَابِس
أَوْجَدَ	وجد	أَفْعَلُ	صَبَّار
أَنْعَمُ	نعم	أَفْعُلُ	مَسْمُوح
بَالِغَة	بلغ	فَاعِلَة	مُجَدِّد
تَعَارَفَ	عرف	تَفَاعُلُ	يَتَفَكَّرُونَ
أَشْرَفَ	شرف	أَفْعَلُ	

۹۱. هَذِهِ (تلك) السَّمَاوَاتِ - هَذِهِ (تلك) الْبَطَارِيَّةُ - هَذَا (ذلك) التَّوْرَ - هَذِهِ (تلك)

الْعُصُونِ - هَؤُلَاءِ الْإِخْوَانُ - هَاتَيْنِ الْيَدَيْنِ - هَذِهِ (تلك) الدَّرَرُ - هَذَا (ذلك) الْمَطَرُ

۹۲. آن درختی است که هر روز آن را در باغ می‌بینیم.

۹۳. این مؤمنان در مسجدها نماز می‌خوانند.

۹۴. الَّذِي (در مورد اسم مذکر الله) ۹۵. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث الشَّمْس)

۹۶. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث الشَّجَرَة) ۹۷. الَّذِي (در مورد اسم مذکر اللَّيْل)

۹۸. الَّتِي (در مورد اسم جمع غیر انسان «المَلَابِس»)

۹۹. هَا ۱۰۰. هُوَ - هِ ۱۰۱. كَيْفَ (كَيْفُونَهُ)

۱۰۲. مَنِ (مَنْ كَسَى) ۱۰۳. هَلْ (أَيَّ) ۱۰۴. مَتَى (مَتَى زَمَانِي)

۱۰۵. كَيْفَ (كَيْفُونَهُ) ۱۰۶. مَاذَا (مَتَى هِزِي)

۱۰۷. الدَّرَسُ: موصوف - الأول: صفت/ذات: مضاف - العُصُون: مضاف اليه برای «ذات»

و موصوف برای «التَّضَرَّة» - التَّضَرَّة: صفت/ذات: مضاف - حِكْمَة: مضاف اليه برای «ذو»

و موصوف برای «بالغة» - بِالْغَةِ: صفت/ذات: مضاف - المُنْتَشِرَة: صفت/مطار:

مضاف - التَّجَفُّف: مضاف اليه برای «مطار» و موصوف برای «الأشرف» - الأشرف: صفت/

صباح: مضاف - الثَّوْر: مضاف اليه/حال: مضاف - كَ: مضاف اليه/الْجُمْهُورِيَّة: موصوف -

الإِسْلَامِيَّة: صفت - الإِبْرَانِيَّة: صفت/اسم: مضاف - كَ: مضاف اليه - الْكَرِيم: صفت

۱۰۸. أَنْظُرْ: فعل امر ۱۰۹. نَمَتَ: فعل ماضی

۱۱۰. إِخْشَ: فعل امر - قُلْ: فعل امر - يُخْرِجُ: فعل مضارع

۱۱۱. أَحَبَّ: فعل مضارع - أَسَافَرُ: فعل مضارع

۱۱۲. مَا كُنْتُ يَذْهَبُنَ: فعل منفي ماضی استمراری

۱۱۳. سَوْفَ تَجْلِسُ: فعل مستقبل

۱۱۴. لَا تَنْظُرْ: فعل نهی

۱۱۵. تَشْرَبُونَ

۱۱۶. إِشْرَبُوا ۱۱۷. كُنْتُمْ تَشْرَبُونَ

۱۱۸. لَا تَشْرَبُوا ۱۱۹. سَوْفَ تَشْرَبُونَ / سَتَشْرَبُونَ

۱۲۰. شَرِبَ ۱۲۱. خَرَجْتُ

۱۲۲. أَخْرَجِي ۱۲۳. كُنْتُ تَخْرُجِينَ

۱۲۴. لَا تَخْرُجِي ۱۲۵. سَتَخْرُجِينَ / سَوْفَ تَخْرُجِينَ

۱۲۶. أَنْتِ ۱۲۷. السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا

۱۲۸. السَّاعَةُ السَّادِسَةُ وَ الرُّبْعُ ۱۲۹. السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ تَمَامًا

۱۳۰. السَّاعَةُ الثَّالِثَةُ وَ النِّصْفُ

۱۳۱. الرَّابِعَ (فصل چهارم در سال، همان فصل زمستان است.)

۱۳۲. فَضِيَّةً (نفر دوم جایزه نقره‌ای دارد.)

۱۳۳. الثَّلَاثَاءُ (روز وسط در روزهای هفته همان روز سه‌شنبه است.)

۱۳۴. ترجمه: و به راستی ما تحقیقاتی را خواهیم نوشت.

نوع فعل: سوف + مضارع - مستقبل (آینده)

۱۳۵. ترجمه: با دقت می‌نوشتند.

نوع فعل: كان + مضارع - ماضی استمراری

۱۳۶. ترجمه: روی دیوار ننویس.

نوع فعل: لای نهی + مضارع - فعل نهی

۱۳۷. ترجمه: تمرین‌هایمان را ننوشتیم.

نوع فعل: ما + ماضی - ماضی منفی

۱۳۸. ترجمه: شما با سرعت نمی‌نویسید.

نوع فعل: لای نفی + مضارع - مضارع منفی

۱۳۹. ترجمه: در جای خالی کلمه مناسب را قرار بده.

نوع فعل: ضَعُ - فعل امر مخاطب

۱۴۰. ترجمه: تکالیفتان را بنویسید. نوع فعل: اُكْتُبُوا - فعل امر مخاطب

۱۴۱. ترجمه: نامه‌هایتان را می‌نوشتید.

نوع فعل: كان + مضارع - ماضی استمراری

۱۴۲. یک ربع به پنج ۱۴۳. یک ربع به شش



۱۴۴. ده تمام ۱۴۵. پنج و ربع



۱۴۶. هشت و نیم ۱۴۷. چهار و نیم



۱۴۸. ذَكَرْتُ: ترجمه: ای دوست من، آیا سخت را به یاد آوردی؟ (۲- به یاد

آوردید ۳- خواندی)

۱۴۹. عَمِلْتُ: ترجمه: چه کار کردی ای مادر؟ (۲- انجام می‌دهد ۳- انجام داد)

۱۵۰. أَخْضَرُ: ترجمه: رنگ درخت سبز است. (۱- سفید ۳- سیاه)

۱۵۱. رَجَعُوا: ترجمه: دوستان از تعطیلات برگشتند. (۲- برگشتیم ۳- برگشت)

۱۵۲. يَلْعَبُ: ترجمه: کودکان در حیاط مدرسه بازی می‌کنند. (۲- باز می‌کند

۳- می‌گیرد)

۱۵۳. اِنْزِلُوا: ترجمه: لطفاً از ماشین پیاده شوید. (۱- بخوابید ۲- خواستند)

۱۵۴. لَا أَعْرِفُكَ: ترجمه: من تو را نمی‌شناسم تو کیستی؟ (۲- تو را نمی‌خواهم

۳- ننشستم)

۱۵۵. اِشْرَبْنَاهُ: ترجمه: از بازار پیراهن زنانه‌ای خریدیم. (۱- برگشتیم ۲- خواندیم)

۱۵۶. مفرد مؤنث: تِلْكَ الْبَطَارِيَّةُ (آن باتری)

۱۵۷. مثنی مذکر: هَذَانِ التِّلْمِيزَانِ (این دو دانش‌آموز)



۹	عَيْنِ الفعل المناسب للفرَاغ. ۲۹- ﴿فَإِذَا فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ ۳۰- الصَّيْنُ أَوَّلُ دَوْلَةٍ نُقُوداً وَرَقِيَّةً. ۳۱- الإسلام الأديان الإلهيَّة. ۳۲- ﴿..... قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ﴾	عَزَمْتُ ☐ عَزَمْتُمْ ☐ شَاوَزْتُ ☐ إِسْتَحْدَمْتُ ☐ إِسْتَخْرَجْتُ ☐ إِسْتَمَعْتُ ☐ يَحْتَرِمُونَ ☐ يَحْتَرِمُ ☐ إِحْتَرَمُوا ☐ يُخْرِجُ ☐ أَخْرَجَ ☐ أَخْرَجَ ☐															
۱۰	عَيْنِ الصَّحِيح. ۳۳- مئة حَبَّةٍ: ۳۴- ثلاثونَ في المئة:	(۱) ده عدد قرص ☐ (۲) صد دانه ☐ (۱) سه درصد ☐ (۲) سی درصد ☐															
۱۱	كَمَلِ الجدول.	<table><tr><th>الماضي</th><th>المضارع</th><th>التَّهْيِي</th><th>الأمر</th><th>المصدر</th></tr><tr><td>..... ۳۵-</td><td>.....</td><td>.....</td><td>شارِكْ</td><td>.....</td></tr><tr><td>..... ۳۶-</td><td>تُقِيلُونَ</td><td>.....</td><td>.....</td><td>.....</td></tr></table>	الماضي	المضارع	التَّهْيِي	الأمر	المصدر	 ۳۵-			شارِكْ		 ۳۶-	تُقِيلُونَ			
الماضي	المضارع	التَّهْيِي	الأمر	المصدر													
..... ۳۵-			شارِكْ														
..... ۳۶-	تُقِيلُونَ																
۱۲	عَيْنِ الجواب الصَّحِيح. ۳۷- المصدر من «كَاتَبَ»: ۳۸- المضارع من «إِسْتَعَلَ»: ۳۹- الأمر من «تَجَمَّعَ»: ۴۰- الماضي من «يَتَعَامَلُ»:	يُكَاتِبُ ☐ كُتِبَ ☐ مُكَاتَبَةٌ ☐ يَسْتَعِلُّ ☐ يَشْعُلُ ☐ اشْتَعَالَ ☐ إِجْمَعُ ☐ تَجْمَعُ ☐ اجْتَمِعْ ☐ تَعَامَلْ ☐ عَامَلَ ☐ عَمِلَ ☐															
۱۳	اِنتِخِبِ العمليَّة الحسابيَّة. ۴۱- ثمانية عَشَرَ ناقصَ أَحَدَ عَشَرَ يُساوي ۴۲- اِثْنَانِ وَ تِسْعُونَ تقسيمَ عَلَى اِثْنَيْنِ يُساوي	ثَمَانِيَّةٌ ☐ سَبْعَةٌ ☐ أَرْبَعَةٌ وَ سِتِّينَ ☐ بِيْئَةٌ وَ أَرْبَعِينَ ☐															
۱۴	ضَعْ في الدائرة العدد المناسب. ۴۳- الصَّدَاعُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ. ☐ ۴۴- الْأَزْرَقُ ☐ وَجَعَ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَ أَسْبَابُهُ. ☐ ۴۵- الدُّخَانُ ☐ بخَارٌ مِتْرَاكَمٌ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. ☐ ۴۶- الْبُقْعَةُ ☐ لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ. ☐ الشيء الَّذِي يَضَعُدُ مِنَ النَّارِ. ☐																
۱۵	أرْسِمِ عقارب السَّاعَةِ. ۴۷- السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً ۴۸- الْخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ	 															
۱۶	أَجِبْ عن الأسئلة. ۴۹- إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ ۵۰- كَمْ تَلْمِيزاً فِي الصَّفِّ؟																
۱۷	اقْرَأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأسئلة. «تَحْدُثُ ظَاهِرَةٌ مَطَرِ السَّمَكِ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ وَ مَطْراً شَدِيداً لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِيَطْبِخُهَا وَ تَنَاوِلُهَا.» ۵۱- كَمْ مَرَّةً يَحْدُثُ مَطَرُ السَّمَكِ فِي السَّنَةِ؟ ۵۲- كَيْفَ كَانَتْ الْأَرْضُ بَعْدَ مَطَرِ السَّمَكِ؟																
۲۰	جمع نمرات	«موفق باشيد»															